

## درآمدی بر سیاستگذاری فرهنگی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران

جلال درخشه<sup>۱</sup>

علیرضا اسماعیلی کلیشمی<sup>۲</sup>

### چکیده

وقوع انقلاب اسلامی با مدعای احیای اسلام ناب محمدی(ص) منجر به دگرگونی معادلات فرهنگی در روابط بین‌الملل شده و الگوهای فرهنگی رایج دنیا را به چالش کشانید. انقلاب اسلامی، انقلابی فرهنگی نامیده شده و در نظام جمهوری اسلامی برآمده از آن، صدور انقلاب نیز خواسته یا ناخواسته با ماهیت فرهنگی رقم خورد. بر این اساس و رسالت الهی و جهانی انقلاب و همچنین ارائه چهره‌ای مثبت از این انقلاب و مقابله با اقدامات مختلف دشمنان و رقبا، موضوع سیاستگذاری فرهنگی بین‌المللی به‌عنوان مقوله‌ای راهبردی اهمیتی سترگ یافته است. در این مقاله نویسندگان می‌کوشند ضمن توضیح مفاهیم سیاستگذاری، سیاستگذاری فرهنگی و سیاستگذاری فرهنگی بین‌المللی، با مرور پیشینه این مقوله در جمهوری اسلامی ایران، اسناد مربوط به آن را در دو قالب کلان و خرد بررسی نموده و با تبیین گفتمان‌های حاکم بر سیاستگذاری فرهنگی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، موضوع سیاستگذاری فرهنگی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان سؤال اصلی مقاله مورد مذاقه و واکاوی قرار دهند. در پایان با تبیین الزامات مربوط به سیاستگذاری فرهنگی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، ضروری‌ترین اقدام را تدوین و ابلاغ سند ملی توسعه روابط فرهنگی بین‌المللی جمهوری اسلامی و تدوین سندهای بخش پیشنهاد نمایند. روش تحقیق این پژوهش توصیفی-تحلیلی است که داده‌های آن از طریق مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی و مدارک علمی استخراج و مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت.

**کلید واژه‌ها:** فرهنگ، سیاستگذاری، سیاستگذاری فرهنگی، سیاستگذاری فرهنگی بین‌المللی، اسناد فرهنگی، جمهوری اسلامی ایران.

**Email:** j.dorakhshah@yahoo.com

۱- استاد دانشگاه امام صادق(ع)

**Email:** reza87654@yahoo.com

۲- دانشجوی دکتری سیاست گذاری فرهنگی پژوهشکده

مطالعات فرهنگی و اجتماعی (نویسنده مسئول)

## مقدمه

سیاستگذاری فرهنگی در یک جامعه از نگاه آن جامعه به فرهنگ، انسان، اقتصاد، حاکمیت و از همه مهم‌تر در صورت ایدئولوژیک بودن جامعه، نگاه جامعه به دین به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های فرهنگ و فلسفه زندگی نشأت می‌گیرد.

ویژگی فرهنگی و ایدئولوژیک انقلاب اسلامی، وجه تمایز آن با دیگر انقلاب‌های مشابه بوده و بر این اساس سیاستگذاری فرهنگی (از مجموعه علوم سیاستگذاری) که یکی از شاخه‌های علوم سیاسی است (اشتریان، ۱۳۸۶: ۱۵). با توجه به اصول و اهداف انقلاب اسلامی و نظام بر آمده از آن یعنی «جمهوری اسلامی»، اهمیت بنیادین و اساسی دارد. نمود و نماد این اهمیت بنیادین در خارج از کشور با عنوان «سیاستگذاری فرهنگی بین‌المللی» با عنایت به جایگاه فرهنگ و شعارها و آرمان‌های فرا ملی و جهان شمولی انقلاب اسلامی، آن گونه که آن را یک «انقلاب فرهنگی» و «انقلاب پیام» نامیده‌اند (خرمشاد، ۱۳۸۳: ۸۶) بسیار شایان بررسی و توجه می‌نمایند.

بر این اساس کاربست سیاستگذاری فرهنگی در سطح بین‌المللی با توجه به ماهیت فرهنگی و فراملی انقلاب اسلامی ایران از یک طرف و به‌عنوان ابزار رسیدن به اهداف توسعه فرهنگی خصوصاً ارتقای همکاری‌های فرهنگی بین‌المللی از طرف دیگر نیز حائز اهمیت است.<sup>۱</sup>

این مقاله در صدد است تا با تبیین مفاهیم مورد نظر، نگاهی اجمالی به پیشینه تاریخی سیاست گذاری فرهنگی در ایران انداخته و با تقسیم این موضوع در پس از انقلاب اسلامی به دوره‌های قبل و بعد از جنگ تحمیلی، به‌طور مشخص اسناد مربوط به آن را در تقسیم‌بندی‌های ثابت (کلان نگر) و قابل تغییر (خردنگر) واکاوی نموده و در این راستا اقدامات سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی به‌عنوان کارگزار رسمی و اصلی سیاست‌های فرهنگی ج.ا.ایران در خارج از کشور را نیز تشریح نماید تا بتواند سؤال اصلی مقاله را که سیاستگذاری فرهنگی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد، تبیین نماید.

به نظر نگارندگان در شرایط فعلی با توجه به تهیه و تدوین سند ملی توسعه روابط فرهنگی بین‌المللی جمهوری اسلامی، موضوع ابلاغ آن امری ضروری برای رسیدن به اهداف سیاست‌های فرهنگی بین‌المللی می‌باشد.

---

۱. بر اساس برنامه دهه جهانی توسعه فرهنگی (۱۹۹۸-۱۹۸۸)، که در سده ۲۱ نیز مورد توجه قرار دارد، اهداف توسعه فرهنگی که مورد توافق اکثر دولت‌های عضو یونسکو- از جمله ایران- قرار گرفته عبارتست از: ارتقای همکاری‌های فرهنگی بین‌المللی، تقویت مشارکت فرهنگی، حفظ میراث فرهنگی و تقویت هویت فرهنگی (برای مطالعه بیشتر به کتاب اصول و مبانی سیاست فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران به کوشش رسول حسین لی انتشارات آن، ۱۳۷۹ صص ۱۰-۴ مراجعه شود).

## مفاهیم و مبانی نظری

### مفاهیم فرهنگ

مقوله و مفهوم فرهنگ یکی از پرکاربردترین واژه‌ها در زندگی اجتماعی انسان هاست و نمی‌توان حد و حدود مشخصی را برای کاربرد این مفهوم قایل شد.

یکی از تعاریف کلاسیک و نامدار فرهنگ، مربوط به ادوارد برنت تایلور<sup>۱</sup> است که در کتاب «فرهنگ ابتدایی» (۱۸۷۱ م.) به شرح ذیل آمده است: «فرهنگ کلیتی در هم بافته شامل دانش، هنر؛ اخلاق، قانون، آداب و رسوم و هرگونه قابلیت و عادت است که توسط انسان به‌عنوان عضوی از جامعه کسب شده است» (صالحی امیری، ۱۳۹۱: ۲۳).

امام خمینی(ره) در این خصوص فرموده‌اند: «فرهنگ مبداء همه خوشبختی‌ها و بدبختی‌های ملت است» (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱: ۵۵). ایشان همچنین بیان داشته‌اند: «آن چیزی که ملت‌ها را می‌سازد فرهنگ صحیح است. اگر فرهنگ درست بشود یک ملت اصلاح می‌شود» (امام خمینی، ۱۳۷۲: ۱۷۵).

از منظر شورای عالی انقلاب فرهنگی، «فرهنگ بینش و منش هویت‌دهنده انسان در حوزه زندگی اجتماعی است که به‌عنوان فرآورنده عالی ذهن و فرایند پیچیده و پیشرفته فکر آدمی تحت تأثیر علل و عوامل موجد و... درونی و بیرونی در تمامی کارکردها و کلیه مظاهر مادی و معنوی حیات وی تجلی می‌یابد و کلیت هم‌تافته و بهم پیوسته‌ای از باورها، فضایل و ارزش‌ها، آرمان‌ها، دانش‌ها، هنرها و فنون، آداب و اعمال جامعه را شامل شده و مشخص کننده ساخت و تحول کیفیت زندگی هر ملت است» (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۶۸: ۳).

بر این اساس در تعریف فرهنگ باید گفت خصوصیتی است که یک جامعه را از سایر جوامع متمایز می‌سازد. عناصر فرهنگ نیز شامل «هنر»، «ادبیات»، «خصوصیات رفتاری عمومی»، «ارزش‌ها»، «باور» و «حقوق اساسی» پذیرفته شده در هر جامعه است.

### سیاستگذاری

سیاستگذاری واژه‌ای است که معمولاً با مفهوم دولت همراه بوده و آن را سیاستگذاری عمومی هم نامیده‌اند. با وجود تنوع و تفاوت‌های موجود در تعاریف این واژه، همه آنها از این نظر مشترکند که سیاست عمومی از تصمیمات گرفته شده از سوی دولت‌ها ناشی می‌شود که از دو بعد ایجابی و سلبی برخوردارند. پیرمولر آن را دولت در عمل تعریف می‌کند (مولر، ۱۳۷۸: ۱۳). دای معتقد است سیاستگذاری به معنی هر آنچه که دولت‌ها تصمیم به انجام یا عدم انجام آن می‌گیرند، می‌باشد (به نقل از وحید، ۱۳۸۶: ۲۸۸). بنابراین مجموعه اقدامات هدفمند که به وسیله یک بازیگر یا مجموعه‌ای از بازیگران در مواجهه با یک مشکل یا موضوع خاص دنبال می‌شود، سیاستگذاری نامیده می‌شود (اشتریان، ۱۳۸۱: ۲۷).

### سیاستگذاری فرهنگی، سیاستگذاری فرهنگی بین‌المللی

سیاستگذاری در عرصه فرهنگ را سیاستگذاری فرهنگی می‌نامند. مفهوم سیاست فرهنگی از جمله مفاهیم تازه‌ای است که بعد از جنگ جهانی دوم در کشورهای جهان مورد استفاده قرار گرفته است.<sup>۱</sup> سیاست فرهنگی به معنای ارزش‌ها و اصول هدایت‌کننده امور فرهنگی است. با نگاهی دیگر نیز می‌توان گفت که سیاست فرهنگی مجموعه‌ای از تدابیر برای تعیین وظایف دولت و سازمان‌های غیردولتی، در زمینه فرهنگ برای رسیدن به اهداف مورد نظر است.

کلیدی‌ترین مفهوم در سیاست فرهنگی، نوع تلقی و انگاره نظری ما از مفهوم فرهنگ است. با توجه به نوع تلقی از فرهنگ، سیاست فرهنگی ماهیتی متفاوت خواهد داشت. در این زمینه دکتر اشتریان معتقد است که «تعریف ما از فرهنگ - هر چه باشد - تأثیری در فرآیند سیاستگذاری ندارد، اما آنجا که باید دامنه سیاست‌ها و حوزه عمل دولت و نهادهای عمومی مشخص شود، قطعاً مشخص شدن تعریف سیاستگذاران از فرهنگ ضرورت می‌یابد. این تعریف از سویی اهداف و مقاصد فرهنگی و از سوی دیگر حوزه عمل، ویژگی‌های مدیران و مدیریت فرهنگی و حتی برنامه‌ریزی‌ها را جهت می‌دهد (اشتریان، ۱۳۸۶: ۲۱).

صاحب نظر دیگری معتقد است که سیاستگذاری فرهنگی عبارتست از «تعیین خط مشی‌ها و راهبردهای کلان فرهنگی برای رسیدن به اهداف چهارگانه توسعه فرهنگی یعنی همکاری‌های فرهنگی، مشارکت فرهنگی، میراث فرهنگی، و هویت فرهنگی که یونسکو نخستین بار با ارائه مفهوم توسعه فرهنگی آن را مطرح نمود (حسین لی، ۱۳۷۹: ۲).

در مجموع می‌توان گفت سیاستگذاری فرهنگی شامل اصول و راهبردهای کلی و عملیاتی شده‌ای است که بر نوع عملکرد فرهنگی یک نهاد اجتماعی استیلا دارد. به این اعتبار منظومه‌ای سامان یافته از اهداف نهایی دراز مدت و میان مدت قابل سنجش و نیز ابزارهای وصول به آن اهداف را در بر می‌گیرد. به عبارت دیگر سیاستگذاری فرهنگی، نوعی توافق رسمی و اتفاق نظر مسئولان و متصدیان امور در تشخیص، تعیین و تدوین مهم‌ترین اصول و اولویت‌های لازم و ضروری در فعالیت فرهنگی است و راهنما و دستورالعمل برای مدیران فرهنگی خواهد بود (حسین لی، ۱۳۷۹: ۵۰).

سیاستگذاری دولت‌ها در قلمرو فرهنگ قابل تشخیص در دو عرصه کلی و بخشی است. در عرصه کلی به معنی داشتن نگرش کلی در زمینه مبانی و اصول و اهداف و در عرصه بخشی یعنی داشتن خط و مشی و برنامه در زمینه‌هایی نظیر میراث فرهنگی، سینما، موسیقی، کتاب، هنرهای تجسمی (وچید، ۱۳۸۶: ۲۸۹).

با توجه به تعاریف مطرح شده سیاستگذاری فرهنگی بین‌المللی نیز همان توافق رسمی و اتفاق نظر مسئولان، متصدیان امور در تشخیص، تدوین و تعیین مهم‌ترین اصول و اولویت‌های لازم‌الرعایه در

۱. سیاست فرهنگی دارای منابع و سنت‌هایی است که در فرهنگ و تاریخ گذشته ریشه دارد، ولی سیاست فرهنگی به معنای ورود دولت و سازمان‌های عمومی و رسمی برای سیاستگذاری در فرهنگ و برنامه‌ریزی کردن، مفهومی مدرن است.

فعالیت‌های فرهنگی خارج از کشور است که به‌عنوان اصول راهنمای کارگزاران دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی و دستورالعمل فرهنگی برای ایشان است که در دو سطح کلان و خرد تدوین و تصویب شده است. به عبارت دیگر سیاستگذاری فرهنگی بین‌المللی مجموعه‌ای از اهداف، مبانی، اصول، اولویت‌ها و خط و مشی اجرایی فعالیت فرهنگی در خارج از کشور را شامل می‌شود که در اسناد بالادستی و دستورالعمل‌های دستگاه‌های اجرایی نمود یافته است.

## مبانی نظری

### نقش فرهنگ در روابط بین‌المللی

فرهنگ مهمترین و اصلی‌ترین وسیله مشخص‌کننده حیات جهانی ملت‌هاست. زیرا اندامی بی‌همتا و منحصر به فرد متشکل از ارزش‌ها و باورهای آنهاست و این ارزش‌ها و باورها هستند که هویت ملت‌ها را مشخص می‌کنند و حضور بین‌المللی آنها را به منصفه ظهور می‌رسانند (سلیمی، ۱۳۸۳: ۳۰). بنابراین شکی نیست که روابط بین‌المللی کارآمد به مبنایی فرهنگی نیازمند است.

تبیین نقش مسائل فرهنگی در روابط بین‌الملل، از چند زاویه قابل بررسی است. ۱) تقسیم جهان به حوزه‌های فرهنگی (مثل شرق و غرب، جهان عرب و غیره). ۲) تقسیم جهان به حوزه‌های ایدئولوژیک (مثل ایدئولوژی سرمایه‌داری و کمونیسم). ۳) تأثیر فرهنگ بر همگرایی و واگرایی منطقه‌ای، که در این تقسیم‌بندی فرهنگ مشترک را می‌توان یکی از پیش شرط‌های لازم برای همگرایی منطقه‌ای دانست. نمونه آن شکل‌گیری اتحادیه ارو پاسا که تمدن یونانی، مذهب مشترک و تاریخ مشابه از جمله بنیان‌های فرهنگ مشترک اتحادیه اروپاست.

همچنین مارسل مرل، استاد روابط بین‌الملل دانشگاه سوربن، را باید از اولین کسانی دانست که پیشنهاد خروج از حلقه‌ی بسته‌ای که از زمان هابز بر روابط بین‌الملل سایه افکنده است را به یک دیدگاه فرهنگی ارائه نمود. مارسل مرل در ضرورت تأثیر فرهنگ در عرصه بین‌الملل گفته است: «وقت آن فرارسیده که پس از گذار از سه پارادایم یعنی پارادایم سیاسی در قالب قدرت محوری، پارادایم اقتصادی در قالب نظریه‌های مارکسیستی از یک سو و لیبرالیستی از سوی دیگر و پارادایم مبتنی بر انقلاب ایدئولوژیک، اینک بر پایه مسائل فرهنگی به تبیین روابط بین‌الملل بپردازیم (رضایی و ترابی، ۱۳۸۹: ۶۱). علاوه بر موارد فوق که موجب شد تا نقش فرهنگ در روابط بین‌الملل در کانون توجه صاحب نظران و اندیشمندان و سیاست‌مداران قرار گیرد باید به ظهور نظریه‌های کلان بین‌المللی با صبغه فرهنگی در دوره معاصر نیز

اشاره نمود. نظریه پایان تاریخ از فوکویاما و نظریه جدل بر انگیز برخورد تمدن‌ها از ساموئل هانتینگتون و گفتگوی تمدن‌ها از سید محمد خاتمی.<sup>۱</sup>

با این توضیحات در یک جمع‌بندی کلی، پایان جنگ سرد و فرو پاشی اتحاد جماهیر شوروی، استحاله روش‌های مناسبات بین‌المللی و جهانی‌شدن فرهنگ، عوامل اساسی تغییر مواضع سابق (سیطره نظریه واقع‌گرایی) و تقویت نقش فرهنگ در روابط بین‌المللی بوده‌اند.

سرجمع می‌توان سه رویکرد متفاوت را در خصوص نقش فرهنگ در روابط بین‌الملل بر شمرد. رویکرد اول رویکردی است که عمدتاً تحت تأثیر مکتب رئالیسم برای فرهنگ در معادلات بین‌المللی جایگاهی قائل نیست، رویکرد دوم نقش دسته دوم به فرهنگ داده و آن را به‌عنوان یک کاتالیزور در مناسبات سیاسی قلمداد می‌کند که تنها نقشی کمکی در حل و فصل منازعات بین‌المللی ایفا می‌نماید. و رویکرد سوم دیدگاهی است که ضمن توجه به عوامل فرهنگی، فرهنگ را به‌عنوان عامل اصلی و تعیین‌کننده در مناسبات بین‌المللی معرفی نموده و با ارائه استدلال‌هایی به مضاف با پندارهای واقع‌گرایان در این خصوص می‌رود (حقیقی، ۱۳۸۶: ۴۸-۴۷).

#### دیدگاه‌های نظری

در بررسی دیدگاه‌های نظری در خصوص سیاستگذاری فرهنگی و ضرورت یا امتناع آن دو نظریه اساسی و در عین حال متضاد در مورد دخالت دولت در فرهنگ وجود داشته است:

الف) دیدگاهی که با سیاستگذاری و برنامه‌ریزی در عرصه فرهنگ موافق بوده و آن را ضرورت می‌داند (دیدگاه افلاطونی): مطابق دیدگاه افلاطونی، فرهنگ جامعه کنترل‌پذیر است و وظیفه مهار و هدایت آن به سوی مسیرهای از پیش تعیین شده بر عهده دانایان و عقلاست که به نظر افلاطون موظفند تکلیف جامعه را تعیین کنند و عدالت و رهایی بقیه افراد جامعه در گرو تبعیت مطلق از آنهاست. دانایان همچنین در عرصه فرهنگ نیز مرجع تشخیص درست و نادرست و مفید و غیر مفیدند و در نهایت سیاستگذاری فرهنگ بر عهده آنها قرار دارد (سلیمی، ۱۳۸۲: ۷۵).

ب) دیدگاهی که با سیاستگذاری و برنامه‌ریزی در عرصه فرهنگ مخالف است (دیدگاه ارسطویی): ارسطو انسان و معانی خلق شده او را ذاتی می‌داند و به عکس نظر پیشین، وظیفه دولت و حکومت را انطباق دادن خود با این معانی می‌شمرد. ارسطو بر آن است: «مردمان گوناگون از راهها و وسایل گوناگون در پی خیر و شادی می‌روند و از این رو به شیوه‌های گوناگون زیست می‌کنند و در نتیجه حکومت‌های گوناگون پدید می‌آورند» (سلیمی، ۱۳۸۲: ۷۵).

۱. دکتر نقیب زاده در کتاب تاثیر فرهنگ ملی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اشاره نموده است که نظریه گفتگوی تمدن‌ها با پشتوانه سه هزار سال تمدن ایرانی و اسلامی مطرح شده و واقع بینانه‌تر از نظریه برخورد تمدن‌ها می‌باشد. وی افزوده است که این نظریه پیش از آن از طرف مارسل مرل مطرح شده بود.

## تاریخچه سیاستگذاری فرهنگی

### کلیات

در یک بررسی کلی تاریخچه سیاستگذاری فرهنگی را به دوره پیشامدرن و مدرن می‌توان تقسیم نمود. جلوه سیاست فرهنگی در دوره مدرن همزمان با شکل‌گیری نظام‌های سیاسی دولت-ملت<sup>۱</sup> و بوجود آمدن ایدئولوژی ناسیونالیسم در سده ۱۹ میلادی در اروپاست که مستلزم ایدئولوژی‌ها و نظام‌هایی بود که یکپارچگی، انسجام و اعتماد ایجاد نموده و با یک سیاست فرهنگی مشخص زبان ملی، مذهب ملی، پرچم ملی و نهادهای ملی را در قالب نظام بروکراسی در خود ایجاد نماید.

اما نقطه عطف دخالت گسترده دولت در فرهنگ به بعد از جنگ جهانی دوم به دلیل تحولات پس از این جنگ مربوط می‌شود و بر این اساس شاید بتوان گفت که مفهوم مسئولیت اجتماعی- فرهنگی دولت‌ها و در واقع مفهوم سیاست فرهنگی، پدیده‌ای جدید و مربوط به سال‌های پس از جنگ جهانی دوم است.

به‌طور کلی سیاستگذاری فرهنگی در سیر تکوینی خود شش موج را که با نگرش‌های متفاوت موجب دخالت دولت در فرهنگ و اعمال سیاست فرهنگی شده است را پشت سر گذاشته است. موج اول که در اواخر قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ شکل گرفت مبتنی بر نگرش سیاستگذاری آموزش محور ملی توسط دولت‌ها با تشکیل دولت-ملت در اروپا و رواج ایدئولوژی ناسیونالیسم شکل گرفت. بدنبال آن - موج دوم- در اوایل قرن بیستم همزمان با گسترش تفکرات کمونیستی و فاشیستی، نگرش باز مهندسی شهروندان<sup>۲</sup> و سیاستگذاری فرهنگی دستوری<sup>۳</sup> که در کشورهای اتحاد جماهیر شوروی، آلمان و ایتالیا عملیاتی شد، شکل گرفت.

موج سوم همزمان با جنگ سرد بین بلوک شرق و غرب با نگرش تخصصی و تهاجمی در اثر جایگزین شدن جنگ سرد به جای جنگ‌های نظامی شکل گرفت که می‌توان آن را آغاز جلوه‌های سیاستگذاری فرهنگی بین‌المللی دانست. بدنبال آن -موج چهارم- در اواسط قرن بیستم و پس از جنگ سرد خصوصاً نهاد بین‌المللی یونسکو<sup>۴</sup> در سیاستگذاری فرهنگی نقش برجسته‌ای در مقام مرجعیت ایفا نمود.

موج پنجم سیاستگذاری فرهنگی در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ با استعمار زدایی و استقلال کشورهای مستعمره و با شکل‌گیری جنبش عدم تعهد و در نتیجه نگرش ضدیت با استعمار شکل گرفت لیکن در ادامه که از اواسط دهه ۱۹۸۰ آغاز شده و تاکنون نیز ادامه دارد موضوع نگرش جهانی شدن تأثیر برجسته بر سیاستگذاری فرهنگی گذاشته است. این شش موج را قلبی و رفسنجانی نژاد در چهار عنوان

1. Nation- State
2. Citizen Reengineering
3. Command Cultures
4. UNESCO

۱- سیاستگذاری‌های فرهنگی ملی ۲- سیاست گذاری فرهنگی بین‌المللی ۳- استعمار زدایی و حاکمیت ملی و ۴- جهانی شدن توضیح داده‌اند (قلجی و رفسنجانی نژاد، ۱۳۹۲ : ۴۳-۴۴).

## سیاستگذاری فرهنگی در ایران

### قبل از انقلاب اسلامی

به لحاظ تاریخی در ایران زمینه‌های حضور دولت از زمان انقلاب مشروطه (۱۲۸۵ ش) در حوزه‌هایی مثل آموزش عمومی، حفظ میراث فرهنگی، حفاظت از ارزش‌های دینی و اخلاقی و بسیاری فعالیت‌های دیگر مشاهده می‌شود لیکن با شکل‌گیری دولت مدرن در زمان رضا شاه، بر مداخله دولت در حوزه فرهنگ و جامعه بسیار افزوده شده و آن را سرآغاز سیاستگذاری فرهنگی در ایران می‌دانند. در دوره پهلوی دوم در سال ۱۳۴۷ شمسی اولین متن سیاست فرهنگی توسط شورای فرهنگ و هنر تهیه و به تصویب شاه رسید و ملاک تصمیم‌گیری‌ها در تمام عرصه‌های فرهنگ گردید. در متن مذکور «شناساندن فرهنگ ایرانیان به جهانیان و آگاهی از مظاهر فرهنگ‌های دیگر» تنها اصل مرتبط به سیاستگذاری فرهنگی بین‌المللی بود (صالحی امیری و عظیمی دولت آبادی، ۱۳۸۷: ۱۲۸).

بر اساس سیاست فرهنگی مدون و مصوب مذکور نقشه عمومی عملیات اجرایی دولت در حوزه فرهنگ معلوم و ساماندهی جدید در عرصه فرهنگ صورت پذیرفته و برنامه‌ریزی فرهنگی به صورت «پیوسته» تحقق یافت.

### بعد از انقلاب اسلامی

سال‌های بعد از انقلاب اسلامی را به لحاظ سیاستگذاری فرهنگی به دو دوره می‌توان تقسیم نمود. دوره اول از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۶۸ و دوره دوم از سال ۱۳۶۸ تا زمان حاضر. قبل از جنگ تحمیلی (۱۳۶۸-۱۳۵۷)

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، عدم توجه واقعی به نیازهای فرهنگی جامعه ایرانی را در تدوین سیاست‌های فرهنگی زمان قبل از انقلاب، بر ملا نمود.

از آنجا که نظام برآمده از انقلاب اسلامی - جمهوری اسلامی - دولتی ایدئولوژیک و اسلامی است، از مهمترین مهم‌ترین وظایف نظام ایجاد شرایط مناسب برای کمال‌یابی انسان‌ها و سیر آنها به سوی خدا تشخیص داده شده است.

در دوره اول، با توجه به شرایط انقلابی حاکم بر جامعه، سیاست فرهنگی مدونی وجود ندارد و فعالیت‌های فرهنگی (در داخل و خارج) کشور عمدتاً بر اساس اندیشه‌ها، دیدگاه‌ها، رهنمودها و فتاوی‌ای امام خمینی(ره) و اصول قانون اساسی ج.ا. ایران و تأکیدات مقطعی مدیران درجه اول نظام، مشروعیت می‌یابند. چارچوب‌های اساسی سیاستگذاری فرهنگی در ایران طی دهه نخست پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با شرایط خاص پس از انقلاب اسلامی تناسب داشت.



### پس از جنگ تحمیلی (۱۳۶۸ تا کنون)

پس از پایان جنگ تحمیلی و گذشت یک دهه از انقلاب اسلامی، به دلیل رویارویی، جمهوری اسلامی با شرایطی تازه از حیث داخلی و بین‌المللی، سیاستگذاری فرهنگی با نگاهی جدید سامان یافت. اهم تحولات دهه دوم انقلاب در عرصه بین‌المللی عبارت بودند از: ظهور و بروز تحولات تکنولوژیک در عرصه ارتباطی، تحولات فرهنگی (نظیر امکان و هویت‌یابی‌های محلی و منطقه‌ای، رواج ارزش‌های جهان شمول، فرآیند جهانی شدن، پایان یافتن دوره ایدئولوژی‌های «جنگ سرد» افروز در عرصه بین‌المللی) و تحولات سیاسی (مانند کاهش قدرت دولت-ملت‌ها، تنگ شدن میدان عمل ابرقدرت‌ها، فراخی میدان عمل کشورها در عرصه جهانی، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، رواج گفتمان دموکراتیک و...) همچنین در عرصه داخلی مهم‌تر از همه پایان یافتن جنگ که استمرار مشارکت گسترده مردم در تصمیم‌گیری و فروکاهش نقش مراجع تصمیم‌گیرنده بود (غلام رضا کاشی، ۱۳۸۲: ۵۱-۵۲).

بر این اساس از سال ۱۳۶۸ به بعد، سیاستگذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی در کشور از روندی تکاملی برخوردار شده و در برهه‌ای از زمان نیز جهش داشته است. از این زمان به بعد است که اسناد مکتوب در خصوص سیاستگذاری فرهنگی و برنامه‌ریزی فرهنگی در کشور به تصویب می‌رسد. این دوره با برنامه پنج‌ساله اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آغاز شد.

بدیهی است که فتاوا، بیانات و مکاتبات امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری از جمله اسناد سیاست‌های فرهنگی نظام به شمار می‌رود که در طول عمر انقلاب جایگاه خود را داشته و بررسی آنها فرصتی جداگانه می‌طلبد.

### سیاست‌های فرهنگی بین‌المللی و سیاستگذاری فرهنگی بین‌المللی

#### کلیات

پیش از پیروزی انقلاب اسلامی فعالیت‌های فرهنگی بین‌المللی رژیم گذشته در خارج از کشور بسیار محدود و در قالب رایزنی‌های فرهنگی سفارتخانه‌های ایران و به صورت رسمی و دیپلماتیک انجام می‌شده و موضوع فعالیت‌ها نیز عمدتاً منحصر به ایران شناسی و زبان و ادبیات فارسی و دستگاه هدایت‌کننده این فعالیت‌ها نیز وزارت فرهنگ و هنر بوده است. در مجموع در این دوره مدیریت فعالیت‌های فرهنگی بین‌المللی به علل دولتی بودن، متمرکز بودن، محدود بودن موضوع فعالیت، محدود بودن نوع فعالیت، تعداد اندک نمایندگی‌ها و نظام بسته‌ی رژیم طاغوت، با مشکل کمتری مواجه بوده است.

وقوع انقلاب اسلامی با مدعای احیای اسلام ناب محمدی(ص) و رسالت جهانی، موضوع فعالیت‌های فرهنگی بین‌المللی را از همان آغاز انقلاب اسلامی به‌عنوان یک موضوع مهم برای مسئولین نظام ج.ا.ا نمایان نمود.

لیکن علی‌رغم فعالیت‌ها و تحولاتی که در حوزه فعالیت‌های فرهنگی بین‌المللی در سال‌های اولیه انقلاب اسلامی صورت می‌گیرد، به دلیل وضعیت خاص و هشت سال دفاع مقدس، در دهه اول، شرایط

مناسبی برای پرداختن به فعالیتهای فرهنگی بین‌المللی و تدوین سیاست‌های مربوط به آن فراهم نمی‌شود. در دهه دوم به دلیل تحولات ملی و فراملی و با مهیا شدن تدریجی شرایط، این فعالیت‌ها گسترش روز افزونی یافته و تدوین سیاست‌های مربوطه از سوی مسئولین مورد توجه واقع می‌شود. در این دوره از لحاظ نوع فعالیت، فعالیتهای تبلیغی مورد توجه خاص قرار می‌گیرد و از لحاظ موضوع نیز بر تبلیغ معارف اسلام ناب و تبیین گفتمان انقلاب اسلامی تأکید می‌شود. همچنین تلاش می‌شود گسترش زبان و ادبیات فارسی و ایران شناسی نیز با رویکردهای ارزش مدار دنبال گردد. از لحاظ ماهیت واحدهای مجری، نهادها و مؤسسات تبلیغی متعددی با ماهیت غیردولتی ایجاد می‌شود و بدین ترتیب فعالیتهای تبلیغی - فرهنگی از انحصار دولتی و دیپلماتیک خارج می‌گردد. همچنین حیطه فعالیتهای تبلیغی - فرهنگی به کشورها و مناطق بسیار به‌ویژه در جهان اسلام توسعه می‌یابد.

### بررسی اسناد

از جمله شیوه‌های بررسی سیاست‌گذاری فرهنگی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران بررسی اسناد رسمی مربوطه است. در این خصوص تقسیم بندی‌های مختلف ارائه شده است. در یک تقسیم بندی اسناد به دو گونه کلان نگر و خرد نگر طبقه‌بندی می‌شوند. اسناد کلان نگر ناظر به سیاست‌های کلی مبتنی بر اعتقادات و ارزش‌ها بوده و اسناد خرد نگر نیز دستورالعمل‌ها، راهکارها و خط و مشی اجرایی را نشان می‌دهد. تقسیم‌بندی دوگانه دیگری نیز انجام شده است. نخست آن دسته از اسنادی که ثابت و تغییر ناپذیر بوده و مشخصه آن این است که جایابی کارگزاران فرهنگی، موجب تغییر آنها نمی‌شود. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصول سیاست‌های فرهنگی و سند چشم‌انداز که در گروه کلان نگر پیش گفته قرار می‌گیرند از این دسته‌اند و دوم اسنادی که با تغییر کارگزاران فرهنگی، به تبع تغییر در دولت‌ها و قدرت‌های سیاسی تغییر می‌پذیرند. بخش‌های فرهنگی در برنامه‌های توسعه پنج‌ساله در این جرگه قرار گرفته و این گروه جزء اسناد خرد نگر می‌باشد.

در واقع اسناد ثابت فرهنگی در جمهوری اسلامی، منعکس کننده نظریه فرهنگی در سیاست فرهنگی هستند و اسناد تغییرپذیر (مقطعی) «باز نمایاننده سیاست‌گذاری فرهنگی» در سیاست فرهنگی هستند (صدیقی سروستانی و زائری، ۱۳۸۸: ۱۳۸-۱۳۶).

### جدول ۱: سلسله مراتب اسناد سیاستگذاری فرهنگی بین‌المللی در جمهوری اسلامی ایران و مرجع تصویب آن<sup>۱</sup>

مرجع تدوین و تصویب	سند سیاستی
مجلس خبرگان قانون اساسی؛ مردم	قانون اساسی
شورای عالی انقلاب فرهنگی	اصول سیاست فرهنگی
تدوین توسط مجمع تشخیص مصلحت و ابلاغ توسط رهبری	سند چشم انداز
تدوین توسط مجمع تشخیص مصلحت و ابلاغ توسط رهبری	سیاست‌های کلی
مجلس شورای اسلامی	قوانین برنامه‌های پنج ساله
هیات دولت	سند ملی توسعه روابط فرهنگی بین‌المللی
دولت (سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی)	برنامه مصوب سالانه (سند بخش)

#### اسنادکلان نگر (ثابت)

قانون اساسی و سیاست فرهنگی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک سند بالادستی و کلان نگر به موضوع عمل به معیارهای اسلامی و دینی در کلیه حوزه‌ها از جمله فرهنگی تصریح شده است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی در خصوص تشکیل امت واحده جهانی در اصل یازدهم اشعار می‌دارد: «به حکم آیه «ان هذه امتکم امه واحده و انا ربکم فاعبدون» همه‌ی مسلمانان یک امت‌اند و دولت جمهوری اسلامی موظف است سیاست کلی خود را بر پایه‌ی ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پی‌گیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد».

همچنین در فصل مربوط به سیاست خارجی در اصول ۱۵۲ و ۱۵۳ ضمن تشریح نفی هرگونه سلطه جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و دفاع از حقوق همه مسلمانان و همچنین ممنوعیت هر گونه قرار دادی که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور شود به موضوع حمایت از مبارزات حق طلبانه مستضعفین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی در اصل ۱۵۴ پرداخته شده است.

روح حاکم بر قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی، مداخله و حضور همه جانبه دولت در تحولات فرهنگی را طلب می‌کند اما آنچه مسلم است سیاست‌های ملموس در بخش فرهنگ از سال ۱۳۶۸ به بعد با تدوین و تصویب برنامه اول توسعه، اتخاذ شده است.

شورای عالی انقلاب فرهنگی و سیاست فرهنگی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران

۱. الگوی این جدول وام گرفته شده است از (اشتریان، ۱۳۹۱: ۱۸۲). براساس متن سند چشم انداز و برای دستیابی به اهداف آن سند سیاست‌های کلی نظام توسط مجمع تشخیص مصلحت تدوین و پس از تصویب رهبری توسط ایشان ابلاغ می‌شود که مبنای سند قانون برنامه‌های پنج ساله می‌باشد.

- شورای عالی انقلاب فرهنگی اصلی‌ترین نهاد در جمهوری اسلامی است که در سیاستگذاری فرهنگی «کلان نگر» فعالیت می‌کند.
- اولین متن مکتوب در زمینه سیاستگذاری فرهنگی، «اصول سیاست فرهنگی کشور» است که در تاریخ ۱۳۷۱/۵/۲۰ با اصلاحاتی به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسیده است.
- این سند شامل مقدمه، اهداف (الف- اهداف فرهنگی جمهوری اسلامی، ب- اهداف سیاست فرهنگی، ج- اصول سیاست فرهنگی و د- منبهاات در سیاست فرهنگی)، اولویت‌ها و سیاست‌های کلی (فرهنگ و هنر، امکانات، دانشگاه، تاریخ انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، زیارت و سیاحت، روابط خارجی و سازمان‌ها و مراکز نظارت، اجرا و هماهنگی) می‌باشد.
- سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی در عرصه بین‌المللی و موضوع روابط فرهنگی بین‌المللی در سند رسمی اصول سیاست فرهنگی کشور این گونه در بخش‌های مختلف آن بازتاب یافته است:
- مواد ۱ و ۶ اهداف فرهنگی جمهوری اسلامی:
- رشد و تعالی فرهنگ اسلامی انسانی و بسط پیام و فرهنگ انقلاب اسلامی در جامعه و جهان
  - درک مقتضیات و تحولات زمان و نقد و تنقیح دستاوردهای فرهنگی جوامع بشری و استفاده از نتایج قابل انطباق با اصول و ارزش‌های اسلامی.
- ماده ۱ اهداف سیاست فرهنگی:
- تعیین و تدوین اصول راهنما و اولویت‌های لازم‌الرعایه در حرکت فرهنگی کشور و رسمیت دادن به آن، با الهام از آرمان‌ها و اعتقادات، با توجه به ظرفیت‌ها و واقعیات و با بهره‌گیری از تجربیات داخلی و جهانی و امکانات و ابزارهای مختلف و مناسب.
- مواد ۲، ۳، ۴ و ۷ اصول سیاست فرهنگی (راهنمای مسئولان و مدیران و برنامه‌ریزان و کارگزاران فعالیت‌های فرهنگی):
- شناخت جامع فرهنگ و مدنیت اسلام و ایران و ترویج اخلاق و معارف اسلامی و معرفی شخصیت‌ها و عظمت‌های تاریخ اسلام و ایران.
  - ارتباط فعال با کشورها و ملت‌ها و تحکیم پیوند مودت و تقویت همبستگی با مسلمانان و ملل دیگر جهان.
  - شناخت فرهنگ و تجربه‌های بشری و استفاده از دستاوردهای علمی و فرهنگی جهانی با بهره‌گیری از کلیه روش‌ها و ابزارهای مفید و مناسب.
  - اهتمام به امر زبان و ادبیات فارسی و تقویت و ترویج و گسترش آن.
- مواد ۲، ۲۹، ۳۱، ۳۹، ۴۶، ۴۷ و ۴۸ اولویت‌ها و سیاست‌های کلی:
- اولویت دادن به «کشورها و مجامع اسلامی» و «ایرانیان» در خارج کشور.
  - توسعه و تقویت کرسی‌های زبان و ادبیات فارسی در مراکز علمی و دانشکده‌های داخل و خارج از کشور و نیز تقویت فرهنگستان زبان و ادب فارسی و پاکسازی اماکن از واژه‌ها و اسامی بیگانه.

همچنین تأسیس و تقویت نمایندگی‌های مطبوعاتی و وسایل ارتباط جمعی در خارج کشور به منظور بهره‌گیری از تجربه‌ها و تحقیقات داخلی و خارجی در عرصه فعالیت‌های خبری و تبلیغی.

- ایجاد و تحکیم ارتباط میان فرهنگستان‌های جمهوری اسلامی ایران با سایر فرهنگستان‌ها و گسترش انجمن‌های فرهنگی در ارتباط با سایر کشورها و تأسیس و تقویت مراکزی مانند رایزنی فرهنگی، دانشگاه بین‌الملل اسلامی و مرکز تحقیقات فرهنگی بین‌الملل.

- استفاده از مراکز علمی و فرهنگی غیررسمی و فعال در خارج با بهره‌گیری از تجارب نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در کشورهای دیگر و تأمین حضور فعال و مؤثر جمهوری اسلامی ایران در صحنه‌های فرهنگی جهان بخصوص حج و اماکن مذهبی و افزایش تولیدات فرهنگی و هنری برای خارج از کشور.

- ارسال گروه‌ها و مواد و امکانات فرهنگی و هنری برای نقاط مختلف جهان و تجهیز نمایندگی‌های فرهنگی ایران در جهت گسترش و افزایش حضور فرهنگی، هنری، تبلیغی، خبری و مطبوعاتی جمهوری اسلامی ایران در صحنه بین‌المللی.

سند چشم انداز

چشم‌انداز جهت‌گیری خرد و کلان کشور را در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، امنیتی و دفاعی در بر می‌گیرد و نه فقط به پیش‌بینی آینده، بلکه به خلق آینده‌ای مطلوب و مناسب می‌نگرد. در سند چشم انداز ۱۴۰۴ اهداف فرهنگی شامل هویت اسلامی و انقلابی و الهام‌بخش بودن در دنیای اسلام همراه با تعامل سازنده و مؤثر با جهان براساس اصول عزت، حکمت و مصلحت و ناظر بر ویژگی‌های فرهنگی ایران و شهروندان ایرانی ۱۴۰۴ اعلام شده است. چشم انداز ۱۴۰۴ در واقع از بُعد فرهنگی در پی دستیابی به اهداف انقلاب اسلامی، صدور انقلاب و مردم‌سالاری دینی است. این سند مهمترین سند راهبردی کشور است که شاید اجرا و نیل به اهداف تعیین شده از خود تدوین و گردآوری آن مهم‌تر باشد.

#### اسناد خرد نگر (قابل تغییر)

بخش فرهنگ برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور اهداف کلی بخش فرهنگ برنامه‌های پنج ساله برگرفته از آرمان‌های انقلاب، اندیشه‌های امام خمینی(ره)، و اصول قانون اساسی است. این برنامه‌ها به‌طور کلی بر پرورش و تعالی انسان با ارزش‌های اسلامی، بازیافت مفاهیم ارزشی و فرهنگ و هنر اسلامی و نشر و تبلیغ آن در داخل و خارج تأکید نموده‌اند.

در خصوص برنامه اول به‌طور مشخص اولویت دادن به مجامع اسلامی و ایرانیان خارج از کشور از جمله سیاست فرهنگی بین‌المللی مصرح این برنامه می‌باشد. بندهای مربوط به فرهنگ این برنامه را می‌توان اولین سندی دانست که بعد از انقلاب بر اهمیت فرهنگ و سیاستگذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی به گونه‌ای برنامه‌ریزی شده تأکید می‌کند.

در خصوص برنامه دوم باید اذعان نمود که بسیاری از خط مشی‌های در نظر گرفته شده در این بخش ادامه‌ی همان سیاست‌های در نظر گرفته شده در برنامه اول بوده و شباهت‌های زیادی بین آنها دیده می‌شود.

در برنامه سوم به‌طور مشخص ماده ۱۸۳ به موضوع فعالیت در خارج از کشور پرداخته و ضمن تأکید و تصریح بر لزوم تطابق فعالیت‌های دستگاه‌ها در خارج از کشور با وزارت امور خارجه به جایگاه سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی طی تبصره‌های ۱ و ۲ این ماده اشاره نموده است :

تبصره ۱- به منظور اعمال سیاست‌های فرهنگی نظام جمهوری اسلامی ایران و تمرکز در سیاست‌گذاری و هماهنگی در فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی خارج از کشور و با اهداف استفاده بهینه از امکانات مادی و معنوی موجود انجام امور کلیه فعالیت‌های فرهنگی تبلیغی و هنری بخش‌های دولتی و غیردولتی در خارج از کشور براساس اساسنامه سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی که به تأیید مقام معظم رهبری رسیده است با سازمان مذکور خواهد بود.

تبصره ۲- انجام کلیه فعالیت‌های پیش‌بینی شده در این ماده در مورد مؤسسات و نهادهایی که تحت نظر مقام معظم رهبری اداره می‌شوند، منوط به تأیید معظم‌له می‌باشد.

تحوالی که همراه با برنامه‌ی چهارم توسعه صورت می‌گیرد، تنظیم سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران است. آنچه که در این برنامه متفاوت از سیاست‌های برنامه‌های پیشین در این بخش بوده و به نظر می‌رسد موضوعی تازه در این برنامه باشد اصل ۱۱۰ است که دولت را مکلف می‌نماید به منظور ترویج فرهنگ صلح، مفاهمه، عدم خشونت و همزیستی مسالمت آمیز میان ملت‌ها در مناسبات بین‌المللی و تحقق «گفتگوی تمدن‌ها» اقداماتی را انجام دهد.

در برنامه پنجم توسعه دولت موظف شده با همکاری سایر قوا «الگوی توسعه اسلامی- ایرانی» را تا پایان سال سوم برنامه تدوین و جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی ارائه دهد. این الگو پس از تصویب در مجلس شورای اسلامی مبنای تهیه برنامه ششم و برنامه‌های بعدی قرار می‌گیرد. اما نکته مهم در خصوص موضوع این پژوهش در این برنامه ماده ۵ آن می‌باشد که تصریح نموده:

«به منظور تبیین مبانی اسلام ناب محمدی(ص) و فرهنگ غنی قرآن کریم، انقلاب اسلامی و اندیشه‌های دینی و سیاسی حضرت امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری و نیز شناساندن و معرفی فرهنگ و تمدن اسلامی- ایرانی و گسترش خط و زبان و ادبیات فارسی به‌ویژه برای ایرانیان خارج از کشور، با تأکید بر تقریب مذاهب اسلامی و تقویت گفت و گو و همگرایی بین پیروان ادیان و نخبگان علمی و فکری جهان و توسعه ارتباط و همکاری با مراکز ایران شناسی، اسلام شناسی و صیانت از مفاخر معنوی، فرهنگی و علمی «سند ملی توسعه روابط فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سطح بین‌الملل» تا پایان سال اول برنامه توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی) با همکاری وزارت امور خارجه و سایر دستگاه‌های مرتبط، شورای عالی حوزه علمیه قم و جامعه المصطفی العالمیه تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد».

### سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و سیاست گذاری فرهنگی بین‌المللی

سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی به‌عنوان تجلی نخستین سنگ بنای مهندسی روابط فرهنگی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران و به‌عنوان «قرارگاه تاکتیکی جبهه فرهنگی بین‌المللی انقلاب»<sup>۱</sup> و برای ایجاد تمرکز در مدیریت و برخورداری از سیاستگذاری واحد و ایجاد انسجام و هماهنگی و به‌عنوان راه‌چاره مشکلات، ناهماهنگی‌ها و موازی‌کاری‌های دستگاه‌ها و نهادهای فعال در عرصه فرهنگی بین‌المللی در سال ۱۳۷۴ تأسیس شد که وظیفه ایجاد تمرکز در مدیریت روابط فرهنگی بین‌المللی، سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و هماهنگی فعالیت‌های فرهنگی خارج از کشور را طبق اساسنامه خود بر عهده دارد.

مسئولین وقت سازمان پس از گذشت یک دهه از عمر آن و آشکار شدن مشکلات و ناهماهنگی‌های مضر و مخل در عرصه فعالیت‌های فرهنگی بین‌المللی توسط دستگاه‌های مختلف و عدم کارآمدی شیوه «ادغام»، راه‌برون رفت از وضعیت نابسامان و نامناسب حاکم بر فعالیت‌های فرهنگی بین‌المللی را در ورود به عرصه «مهندسی روابط فرهنگی بین‌المللی» و سازماندهی جبهه فرهنگی بین‌المللی انقلاب و احیای جایگاه سازمان به‌عنوان قرارگاه تاکتیکی این جبهه و ایجاد حرکت منظومه‌ای و عملیات مشترک یافته، برای تحقق ایده‌های جدید، پیشنهادات خود را به مقام معظم رهبری و دولت ارائه نمودند. این حرکت جدید و دانش‌بنیان سازمان برای «مهندسی روابط فرهنگی بین‌المللی» را که مورد تأیید و تأکید مقام معظم رهبری قرار گرفته می‌توان دومین گام نظام برای سامان‌دهی فعالیت‌های فرهنگی بین‌المللی پس از تشکیل سازمان به‌شمار آورد.<sup>۲</sup>

سازمان با بیش از دو سال تلاش مستمر با همکاری دستگاه‌های ذیربط و انجام مطالعات کتابخانه‌ای و تطبیقی و بدنبال آن پیمایش‌های چند مرحله‌ای، پیش‌نویس سند راهبردی برنامه اول توسعه فعالیت‌های فرهنگی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران را برای یک دوره پنج‌ساله (۱۳۹۴-۱۳۹۰) تدوین نموده و به تصویب شورای عالی سازمان رساند. همزمان با این اقدامات بنابر پیگیری‌های سازمان برای ایجاد پشتوانه قانونی مناسب، پیشنهاد آن در قالب ماده ۵ قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور با موضوع تدوین «سند ملی توسعه روابط فرهنگی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران» نیز به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و سازمان بر اساس تصریح ماده مذکور موظف به تهیه و ارائه آن گردید (فرایند تدوین سند ملی توسعه روابط فرهنگی بین‌المللی ج.ا. ایران، ۱۳۸۹).

۱. این عبارت از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با رایزنان فرهنگی در تاریخ ۱۳۸۸/۱۲/۱۱ گرفته شده است: «بنابر این خط مقدم مقدم جبهه فرهنگی شما هستید قرارگاه مقدم تاکتیکی همین سازمان شماسست که باید این کارها را ساماندهی کند».

۲. قبل از این اقدام طرحی با عنوان استراتژی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور در سال ۱۳۷۹ توسط معاونت بین‌الملل وقت سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی تهیه شده بود که عملاً به نتیجه و اقدامی منجر نشد.

اقدام اول؛ سند ملی توسعه روابط فرهنگی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران در اجرای ماده ۵ قانون برنامه پنجم توسعه، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، که محور اصلی فعالیت‌های فرهنگی بین‌المللی کشور است<sup>۱</sup> با همکاری دستگاه‌ها و نهادهای دولتی و غیر دولتی، «سند ملی توسعه روابط فرهنگی بین‌المللی» را بر پایه آموزه‌های اسلام ناب، آرمان انقلاب اسلامی، رهنمودهای امام خمینی (رحمه‌الله علیه) و مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) و اسناد فرادستی از جمله قانون اساسی، سند چشم انداز، نقشه مهندسی فرهنگی و سیاست خارجی نظام، تهیه نمود، که پس از اصلاحات لازم به هیأت محترم دولت ارائه شده است. از ویژگی‌های سند حاضر، برخورداری از روش علمی و پشتوانه مطالعاتی گسترده و مشارکت فعال دستگاه‌ها و نهادهای مختلف است (دهشیری، ۱۳۹۳: ۴۰-۵۳).

با تصویب و ابلاغ این سند از سوی هیأت دولت، مفاد آن برای تمامی دستگاه‌های دولتی، نهادها و بخش‌های غیر دولتی و عمومی، از جمله نهادهای وابسته به دفتر مقام معظم رهبری، که در حوزه روابط و فعالیت فرهنگی بین‌المللی فعال بوده و از بودجه عمومی کشور استفاده می‌کنند، لازم‌الاتباع و لازم‌الاجراست.

از منظر این سند وضع مطلوب فرهنگی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران به شرح ذیل است:

#### أ) آرمان انقلاب اسلامی:

آرمان جهانی انقلاب اسلامی، بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و آراء و اندیشه‌های امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (دام ظلّه العالی)، عبارت است از: «دستیابی به امت اسلامی واحده، تمدن نوین اسلامی و حیات طیبه و رستگاری بشر».

#### ب) رسالت فرهنگی بین‌المللی انقلاب اسلامی در جهان:

«تبیین و ترویج اسلام ناب و گفتمان انقلاب اسلامی و تلاش برای وحدت و اقتدار امت اسلام، تمدن سازی اسلامی و تحقق حیات طیبه و رستگاری بشر».

#### ج) چشم‌انداز فرهنگی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران (در افق ۱۴۰۴):

با توکل به خداوند متعال و اطمینان به تحقق وعده‌های الهی و اعتصام به قرآن، سنت و عترت و با مجاهدت مدبرانه و مخلصانه‌ی بندگان صالح خدا برای تحقق رسالت اسلام ناب و آرمان جهانی انقلاب

۱. «بجا و صحیح این است که ما یک مرکز محوری اساسی برای کار فرهنگی به این صورت در صحنه‌ی چالش فرهنگی بین‌المللی داشته باشیم و آن، سازمان شماسست. و همه‌ی دستگاه‌ها هم باید این سازمان را پشتیبانی کنند و باید خودشان را با آن تطبیق بدهند و از امکاناتش یاری بگیرند و با ضوابط آن کنار بیایند؛ این، یک اصل است. من این را اینجا هم به خود شما می‌گویم که توجه به موقعیت و تشخیص سازمانی این مجموعه داشته باشید و مسؤولیت سنگینی را که از این رهگذر متوجه شماسست بدرستی دریافت کنید، هم به وزارت ارشاد، وزارت خارجه و سازمان مدیریت می‌گویم که این مجموعه‌ی میدانی را باید تقویت کنند. اساس کار و محور فعالیت فرهنگی‌مان این مجموعه است» از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی) در دیدار رایزنان فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مورخ ۱۳۸۳/۵/۲۱.



اسلامی و ارزش آفرینی فرهنگی بر پایه‌ی قانون اساسی، اندیشه امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) و رهنمودهای مقام معظم رهبری (دام ظلّه العالی)، سند چشم انداز ملی و نقشه مهندسی فرهنگی کشور: جمهوری اسلامی ایران پیش‌تاز و زمینه ساز وحدت و اقتدار امت اسلام و تمدن نوین اسلامی، ارزش آفرین، مروج اسلام ناب، اندیشه اصیل دینی و عدالت خواهی و دارای تصویری الهام بخش و برخوردار از اقتدار فرهنگی و تعامل سازنده در جهان خواهد بود.

ماهیت و ویژگی‌های سند:

- «سند ملی توسعه روابط فرهنگی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران» نخستین نقشه راه و برنامه راهبردی و بلندمدت در حوزه فرهنگی بین‌المللی، در سطح ملی است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تنظیم شده است.

- سند مذکور حاصل مشارکت و همفکری دستگاه‌ها و نهادهای دولتی و غیر دولتی فعال در حوزه‌ی فرهنگی بین‌المللی است و در مراحل تنظیم اولیه و ویرایش‌های بعدی آن بیش از ۲۰ دستگاه و نهاد دولتی و وابسته به دفتر مقام معظم رهبری مشارکت و همکاری داشته‌اند. لذا این سند اولین برنامه و نقشه راه مورد وفاق و قبول تمامی دستگاه‌ها و نهادهای فعال در حوزه فرهنگی بین‌المللی به حساب می‌آید.

- این سند با رویکرد ایجاد انسجام، هماهنگی و هم افزایی میان دستگاه و نهادهای فعال فرهنگی بین‌المللی در بخش‌های دولتی و نهادهای غیر دولتی (وابسته به دفتر مقام معظم رهبری) تنظیم شده است و تصویب و اجرای آن نقطه عطف مهمی در تحقق منویات مقام معظم رهبری (دام ظلّه العالی) در زمینه مدیریت متمرکز، سیاستگذاری واحد، انسجام، هماهنگی و استفاده بهینه از منابع و امکانات موجود در زمینه فرهنگی بین‌المللی، محسوب می‌شود.

#### اقدام دوم: اصلاح اساسنامه

اصلاح اساسنامه سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در راستای تدوین سیاست‌های فرهنگی بین‌المللی نظام به‌عنوان دومین اقدام مصوب این سازمان پس از تدوین سند ملی توسعه روابط فرهنگی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران از منظر مقاله ارزیابی می‌شود.

سازمان با توجه به مشکلات و عدم موفقیت موضوع «ادغام» در اساسنامه قبلی و باتوجه به توضیحاتی که پیشتر اشاره شد با ارائه اصلاحاتی در اساسنامه خود تلاش نموده است که مشکلات مربوط به نحوه مدیریت فعالیت‌های فرهنگی خارج از کشور را اصلاح نموده و همچنین به لحاظ اداری و مالی نیز هویت مستقلی برای آن تعریف نماید.

این اصلاحات عمدتاً در مقدمه، اضافه نمودن بندهایی به وظایف سازمان، افزودن تعدادی بیشتر به ترکیب آن و اصلاح تعیین وضعیت اداری و مالی تجلی یافته است (روزنامه رسمی کشور، ۱۳۹۵/۱/۱۶). اصلاحات مذکور پس از تصویب در شورای عالی سازمان و به دنبال آن اخذ نظر مثبت مقام معظم رهبری در فروردین ماه سال ۱۳۹۵ توسط روزنامه رسمی کشور منتشر شد.

در مقدمه اساسنامه که به نظر بخش مهم اصلاحات مورد نظر است آمده است:

«به منظور بهره‌گیری مطلوب از ظرفیت دیپلماسی فرهنگی در محیط جدید بین‌المللی با استفاده از فعالیت و تجارب گذشته سازمان در روابط فرهنگی تبلیغی خارج از کشور اساسنامه اصلاح می‌شود». بر این اساس موضوع «ایجاد تمرکز و برخورداری از سیاستگذاری واحد در فعالیتهای فرهنگی تبلیغی خارج از کشور و بدنبال آن» ادغام: که در اساسنامه قبلی تصریح شده بود در اصلاحیه جدید حذف شده است.

در ماده ۶ اساسنامه اصلاح شده، نحوه فعالیت دستگاههای مختلف را در این خصوص مشخص نموده و بیان داشته است: «کلیه نهادهای و مؤسسات دولتی و غیردولتی که از بودجه عمومی کشور و یا تسهیلات جمهوری اسلامی ایران استفاده می‌کنند مکلفند فعالیت‌های فرهنگی تبلیغی خود در خارج از کشور را با هماهنگی سازمان به انجام برسانند».

### گفتمان‌های حاکم بر سیاستگذاری فرهنگی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران

یکی دیگر از شیوه‌های بررسی سیاست فرهنگی بین‌المللی ج.ا.ایران از طریق بررسی گفتمان‌های فرهنگی حاکم می‌باشد. برای شناسایی این گفتمان‌ها ناگزیر از دوره بندی گفتمانی - تاریخی هستیم که عموماً آن را بر اساس تغییرات و دوره‌بندی‌ها در حوزه سیاسی دسته بندی می‌کنند.

عمده این تقسیم‌بندیها، شش دوره ۱- حاکمیت دولت موقت و ریاست جمهوری بنی‌صدر (۱۳۶۰-۱۳۵۷) ۲- جنگ تحمیلی (۱۳۶۸-۱۳۶۰) ۳- سازندگی (۱۳۷۶-۱۳۶۸) ۴- اصلاحات (۱۳۸۴-۱۳۷۶) ۵- اصول‌گرایی (۱۳۹۲-۱۳۸۴) ۶- اعتدال‌گرایی (۱۳۹۲- تاکنون) را مورد نظر دارند. در این راستا دهقانی فیروزآبادی دو گفتمان کلی ملت‌گرایی لیبرال (دوره حاکمیت دولت موقت و ریاست جمهوری بنی‌صدر) و اسلام‌گرایی (از بعد از ریاست جمهوری بنی‌صدر تاکنون) را مشخص نموده که این دوره را نیز برخوردار از شش خرده گفتمان به اسامی: آرمان‌گرایی اسلامی، مصلحت‌گرایی، واقع‌گرایی اسلامی، صلح‌گرایی مردم‌سالار، اصول‌گرایی اعتدال محور و اعتدال‌گرایی می‌داند.<sup>۱</sup>

آنچه مشخص است اینکه منطق حاکم بر این دوره بندی‌ها و گفتمان‌های مربوط به آنها، رویه حاکم بر تحولات سیاسی است که با تغییر دولت‌ها صورت پذیرفته است. حال باید دید که منطق حاکم بر تحولات سیاسی و گفتمان‌های حاصل از آن تا چه اندازه با رویه حاکم بر تحولات و تغییرات فرهنگی در حوزه سیاستگذاری فرهنگی بین‌المللی تطابق دارد؟

به نظر می‌رسد که از نظر گفتمانی می‌توان دوره‌های مذکور و خصوصاً گفتمان‌های شش گانه را به دو گفتمان توسعه‌ای - لیبرال و گفتمان انقلابی - سنتی تقلیل داد که در هر کدام از آنها رویکردهای متفاوتی

۱. برای مطالعه بیشتر به کتاب چرخه گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از دولت بازرگان تا دولت روحانی تألیف سید جلال دهقانی فیروزآبادی، انتشارات مخاطب، ۱۳۹۳، مراجعه شود.

نسبت به حوزه فرهنگی وجود داشته و دلایل آن نیز یک منطق نظری است که این دو گفتمان از آن بهره می‌گیرند (صدیق سروستانی و زائری، ۱۳۸۸: ۱۳۸-۱۳۲).

### گفتمان انقلابی - سنتی

گزاره این گفتمان تأکید بر ارزش‌های اولیه انقلاب بوده و زمان آن در دو دوره حیات امام خمینی (ره) (۱۳۶۸-۱۳۶۰) و دولت‌های نهم و دهم (۱۳۹۲-۱۳۸۴) نمود یافته است. در حوزه فرهنگی بین‌المللی تبیین ارزش‌های ناب انقلاب اسلامی، صدور ارزش‌های آن به دیگر مخاطبان در جوامع اسلامی و غیراسلامی و حمایت از مظلومین و همچنین مقابله با رژیم اشغالگر قدس از جمله سیاست‌های برجسته اعلام شده در این دو مقطع و گفتمان مسلط بوده است. کلید واژه‌های این گفتمان در حوزه فرهنگ و ارتباط با فرهنگ جهانی عبارت از «تهاجم فرهنگی»، «امپریالسم فرهنگی»، «شبیخون فرهنگی»، «استحاله فرهنگی» و نظایر آن می‌باشد.

### گفتمان توسعه‌ای - لیبرال

این گفتمان از دوره ۱۳۸۴-۱۳۶۸ (دولت‌های آقایان هاشمی رفسنجانی و خاتمی) و سپس دوره اخیر دولت آقای روحانی را در بر می‌گیرد. هر چند در دولت‌های آقای هاشمی و خاتمی دو جزء متفاوت توسعه اقتصادی و سیاسی مورد تأکید بوده است لیکن منطق حاکم در همه این دوره‌ها نگرشی لیبرال به مسائل فرهنگی - اجتماعی و خصوصاً اقبال به نظام جهانی دنبال شده است. کلید واژه‌های این گفتمان «تقابل فرهنگی»، «مشارکت فرهنگی»، «گفتگوی فرهنگی» و نظایر آن می‌باشد.

سرجمع به نظر می‌رسد در حوزه سیاست‌های فرهنگی بین‌المللی این دو گفتمان با اسناد رسمی ثابت جمهوری اسلامی ایران انطباق داشته اما در عمل، تفسیرهای متفاوت، نتایج متفاوتی به‌خاطر سلیقه‌های گوناگون به بار آورده است.

## الزامات سیاستگذاری فرهنگی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران

۱. نخستین الزام سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی تحقق سند ملی توسعه روابط فرهنگی بین‌المللی می‌باشد.
۲. سیاستگذاری فرهنگی بین‌المللی باید نخست منافع کشور، جامعه و شهروندان خویش را پیگیری نماید. بدین معنا که باید در تبادل فرهنگی با دیگر کشورها، فرهنگ خودی را تحکیم کند و توسعه بخشد نه موجب تضعیف آن شود.
۳. نظر به محدودیت امکانات و وجود چارچوب‌های آرمان‌خواهی متعدد، سیاست فرهنگی بین‌المللی باید با به رسمیت شناختن تفاوت میان ادیان، جوامع و فرهنگ‌ها خصوصاً با توجه به روند جهانی سازی،

بر اندیشه‌ها و ارزش‌های مشترک و جهان شمول تأکید نموده و از این طریق سوء تفاهم‌ها را برطرف نماید.

۴. سیاست‌گذاری فرهنگی بین‌المللی باید توجه جدی به بهره‌مندی از سازمان‌های بین‌المللی مرتبط و حضور فعال در آنها خصوصاً یونسکو داشته و از این گونه نهادهای بین‌المللی حداکثر بهره‌برداری را در جهت منافع ملی بنماید. شکی نیست که این کار پیچیدگی‌های خاصی با توجه به وضعیت جمهوری اسلامی ایران دارد.

۵. سیاست فرهنگی بین‌المللی جزء لاینفک سیاست خارجی است. بر این اساس علاقمندی، همکاری، مشارکت و هم‌افزایی کارگزاران و تصمیم‌گیرندگان سیاسی خصوصاً ارکان سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی ایران برای تحقق آن امری ضروری است.

۶. اولویت‌دادن به مؤلفه فرهنگ و نقش محوری برای آن قایل‌شدن از سوی مسئولان نظام خصوصاً تصمیم‌گیرندگان سیاسی بدلیل مزیت نسبی ما در این حوزه در مقایسه با مؤلفه‌های دیگر موجب تحقق سیاست‌ها خواهد بود.

۷. نظام بایستی ضمن پرهیز از نگاه حداقلی به دین، سیاست‌های بخشی جداگانه را برای هر کشور و منطقه با توجه به مؤلفه‌های آن تدوین نماید.

۸. توجه به اقتضائات بین‌المللی و درک سیاست‌های فرهنگی بین‌المللی کشورهای میزبان و یافتن راهکارهای موجه برای بهره‌مندی از آنها، الزام جدی برای موفقیت سیاست‌های فرهنگی نظام در عرصه بین‌المللی است.

۹. اولویت سیاست‌گذاری فرهنگی در عرصه بین‌الملل به دلیل امکانات محدود بایستی جذب فرهیختگان قرار گرفته و در این راستا تفاوت سیاست‌های تبلیغی داخل با خارج از کشور امری اجتناب ناپذیر و لازمه موفقیت سیاست‌های تدوین شده خواهد بود.

۱۰. مهندسی سیاست‌گذاری فرهنگی بین‌المللی باید طوری طراحی شود که بر رویکرد سیستمی متکی و نقش سلیقه در آن کمرنگ باشد. بدین لحاظ نهادهای دخیل در این موضوع باید از یک منبع مجزا که می‌تواند شورای سیاست‌گذاری فرهنگی بین‌المللی باشد، خط‌دهی شوند.

### نتیجه‌گیری

سیاست‌گذاری فرهنگی بین‌المللی دارای اهمیتی سترگ در نظام جمهوری اسلامی ایران که برآمده از انقلاب اسلامی با مدعای احیای اسلام ناب و دارای رسالتی جهانی می‌باشد، است. این مقاله با هدف واکاوی سیاست‌گذاری فرهنگی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران با ارائه تعاریف مفاهیم فرهنگ، سیاست‌گذاری، سیاست‌گذاری فرهنگی و سیاست‌گذاری فرهنگی بین‌المللی، پیشینه این موضوع را در جمهوری اسلامی مورد مذاقه قرار داده است.

سیاست‌های فرهنگی نظام در عرصه بین‌المللی در دو گروه اسناد کلان (ثابت) و خرد (قابل تغییر) قابل بررسی است. قانون اساسی، سند چشم‌انداز و اصول سیاست فرهنگی کشور نموده‌های اسناد ثابت

نظام در این خصوص است که البته به کلیات بسند نموده و راهبردهای کلی را در عرصه فرهنگی خارجی نشان داده اند.

در قسمت اسناد خردنگر نیز، سیاست‌های بخش فرهنگ برنامه‌های پنج ساله توسعه کشور در این گروه قرار می‌گیرد که در این برنامه‌ها نیز عمدتاً به کلیات اکتفا شده و راهکار را در احاله تدوین برنامه‌ها و سیاست‌های کاربردی به سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی به‌عنوان متولی اصلی و رسمی فعالیت‌های فرهنگی ج.ا.ایران در خارج از کشور دانسته‌اند.

اقدام این سازمان در تنظیم سند ملی توسعه روابط فرهنگی بین‌المللی ج.ا.ایران را می‌توان «دومین» تحول و حرکت مهم نظام در مدیریت متمرکز فعالیت‌های فرهنگی بین‌المللی ج.ا.ایران پس از تأسیس سازمان مذکور به حساب آورد. در این خصوص آنچه ضروری می‌نماید ابلاغ این سند در هیات دولت بر اساس تکلیف برنامه پنجم توسعه و نظر به شروع دوره آن می‌باشد.

از سوی دیگر لازم است همزمان سندهای بخش به معنی سیاست‌های فرهنگی ج.ا.ایران در هر یک از کشورها به‌طور جداگانه با توجه به تفاوت‌های آشکار و پنهان هر کشور با کشور دیگر (ولو دارای اشتراکات دینی، جغرافیایی باشند) توسط سازمان مذکور نهایی شده و البته نظر به تغییرات سیاسی، سازوکارهای لازم برای بهره‌مندی از سیاست‌های مذکور با توجه به تغییرات نیز فراهم شود.

گفتمان‌های حاکم بر سیاست‌های فرهنگی بین‌المللی انقلاب اسلامی نیز پس از ریاست جمهوری بنی‌صدر بر مبنای اسناد کلان و ثابت فرهنگی نظام صورت گرفته لیکن تغییرات دولت‌ها موجب آشکار شدن سلیقه‌ها در اولویت بخشی به فعالیت‌های مختلف در هر دوره بوده است. سیاست فرهنگی بین‌المللی جزء لاینفک سیاست خارجی بوده و بر این اساس از مهمترین الزامات آن توجه به اقتضائات بین‌المللی، کم‌رنگ نمودن اعمال سلیقه در تدوین سیاست‌ها، اولویت دادن به نخبگان و فرهیختگان و پرهیز از نگاه حداقلی به دین می‌باشد.

## منابع

- اشتریان، کیومرث (۱۳۸۶)، *سیاست‌گذاری عمومی در ایران*، تهران: نشر میزان.
- اشتریان، کیومرث (۱۳۹۱)، *مقدمه‌ای بر روش سیاست‌گذاری فرهنگی*، تهران: جامعه‌شناسان.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۶)، *تغییر در فرهنگ سیاست خارجی*، بازیابی جایگاه فرهنگ در سطوح سه‌گانه سیاست خارجی در دوره پس از جنگ»، مجموعه مقالات همایش ارتباطات بین فرهنگی و سیاست خارجی: رویکردی ایرانی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، تهران: الهدی.
- آشوری، داریوش (۱۳۸۶)، *تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ*، تهران: آگه.
- حسین لی، رسول (۱۳۷۹)، *اصول و مبانی سیاست فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران*، تهران: انتشارات آنا.

- خرمشاد، محمد باقر (۱۳۸۳)، «بازتاب انقلاب اسلامی در نظریه‌های انقلاب: تولد و شکل‌گیری نسل چهارم تئوری‌های انقلاب»، مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره سوم.
- دهشیری، محمد رضا (۱۳۹۳)، *دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- دهقانی فیروز آبادی، سید جلال (۱۳۹۳)، *چرخه‌گفت‌مانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از دولت بازرگان تا دولت روحانی*، تهران: مخاطب.
- رضایی، علیرضا و ترابی، قاسم (۱۳۸۹)، «تبیین جایگاه فرهنگ در نظریه‌های سیاست و روابط بین‌الملل: فرهنگ به عنوان عرصه‌ای برای تعامل یا تقابل»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره ۱۳.
- سلیمی، حسین (۱۳۸۲)، «سیاست‌پذیری فرهنگ»، در کتاب *سیاست‌گذاری و فرهنگ در ایران امروز*، به اهتمام مجید وحید، تهران: انتشارات باز.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۶۸)، *اصول سیاست فرهنگی*، اهداف، مبانی، اصول، منبها و خط و مشی، تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- صالحی امیری، سید رضا (۱۳۹۱)، *مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی*، تهران: ققنوس.
- صالحی امیری، سیدرضا و عظیمی دولت آبادی، امیر (۱۳۸۷)، *مبانی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی*، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله و زایری، قاسم (۱۳۸۸)، *چالش‌های برنامه‌ریزی فرهنگی در ایران*، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، دفتر گسترش تولید علم.
- غلامرضا کاشی، محمد جواد (۱۳۸۲)، *سیاست‌گذاری اقتدارگرایانه و دموکراتیک فرهنگی* (طرحی برای یک الگوی جانشین)، در کتاب *سیاست‌گذاری و فرهنگ در ایران امروز*، به اهتمام مجید وحید، تهران: انتشارات باز.
- فاضلی، نعمت‌الله و قلیچ، مرتضی (۱۳۹۲)، *نگرشی نو به سیاست فرهنگی: سیاست فرهنگی از دیدگاه مطالعات فرهنگی*، تهران: تیسرا.
- قلعجی، حسین و رفسنجانی نژاد، سیما (۱۳۹۲)، «فرهنگ و سیاست‌گذاری فرهنگی»، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۹۲.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۶۱)، *صحیفه نور*، ۲۲ جلد، جلد ۱، تهران: مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۲)، *کلمات قصار (پندها و حکمت‌ها)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- مولر، پیر (۱۳۷۸)، *سیاست‌گذاری عمومی*، ترجمه حمید رضا ملک محمدی، تهران: دادگستر.
- وحید، مجید (۱۳۸۶)، «بحثی در سیاست‌گذاری فرهنگی»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۷، شماره ۳.
- ویژه‌نامه نهمین هم‌اندیشی نمایندگان فرهنگیان ج.ا. ایران در خارج از کشور (۱۳۹۰)، «فرایند تدوین سند ملی توسعه روابط فرهنگی بین‌المللی ج.ا. ایران»، مجله روابط فرهنگی، شماره یک.